

# معلمان ادبیات و کتاب آیین نگارش

علی سلطانی گرد فرامیزی

و آموخته‌های خود را از لحاظ نگارش، در نوشته‌های خود به کار ببرند.

بدین ترتیب، مطالب دو کتاب آیین نگارش اوّل و دوّم نوشته شد و در اختیار اعضای شورای برنامه‌ریزی ادبیات قرار گرفت. اعضای محترم شورا نظریات و رهنمودهای مفیدی ارائه کردند که بسیاری از آنها مورد استفاده قرار گرفت. آن گاه، برای نخستین بار در تاریخ کتابهای درسی ایران، تصمیم گرفته شد که به دلیل اهمیت آیین نگارش، مطالب هر دو کتاب، پیش از چاپ به کلیه شهرستانهای ایران فرستاده شود تا دبیران محترم ادبیات، نظریات اصلاحی خویش را به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بفرستند تا کتابهای آیین نگارش از هر جهت آراسته و

پیراسته شود. در اجرای این تصمیم، حدود پانصد نسخه از آن به شهرستانهای مختلف فرستاده شد. بسیاری از گروههای ادبیات و همکاران عزیز در تهران و شهرستانها، درخواست دفتر برنامه‌ریزی را اجابت و نظریات سودمندی را ابراز کردند و بسیاری از آنان به گفته آقای غلامرضا ستار از منطقه ۱۲ تهران، «از این که دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، طلسم سنت خودمحموری نابیان تولیت آستان تألیف را شکسته و خُدام حرم را به پای منبر اظهار نظر دعوت کرده است»، سپاسگزاری کرده‌اند.\*

این پاسخ و پاسخهای دیگر نشان می‌دهد که دل‌های پرشوری برای ادبیات فارسی می‌تپد و دست‌های پرمهری برای آبادی و شکوفایی فرهنگ و ادب ایران، آماده اقدام است.

از نظر اصولی و نه از جهت محتوا، برای دوره دبیرستان بهتر و عملیتر از روشی دیگر کتابهای آیین نگارش است. بنابراین، با عنایت بیشتر به آن کتابها و نیز با در نظر گرفتن روشهای کتابهای مشابه و تجربیات علمی و عملی خویش، طرحی را تهیه و به شورای برنامه‌ریزی ادبیات پیشنهاد کردم.

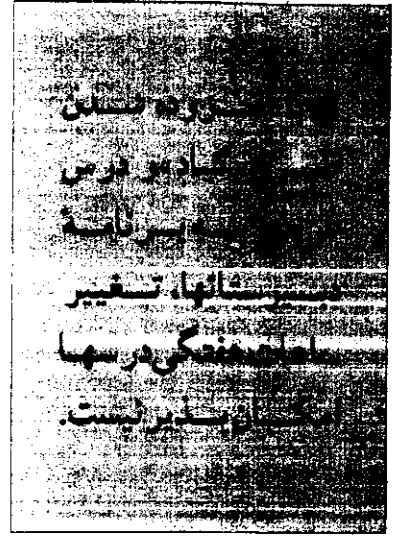
این طرح مورد بررسی قرار گرفت و پس از تبادل نظر و اصلاحات لازم، قرار بر این شد که تمامی مطالب ضروری برای چهار سال دبیرستان، به صورتی منطقی از ساده‌ترین نوشته تا نوشته‌های فنی و تحقیقی و داستان، برای کلاسهای اول، دوم و سوم دبیرستان تقسیم و تنظیم و نوشته شود و در سال چهارم، خلاصه‌ای از مطالب سه کتاب پیشین گنج‌آینده شود تا دانش‌آموزان، بیشتر به نوشتن بپردازند

از چند سال قبل که کتابهای آیین نگارش پیشین عملاً متروک شد، نامه‌هایی از سراسر کشور به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی می‌رسید که در آنها، ضرورت وجود کتابی در این مورد گوشزد می‌شد. همچنین گروهی از دبیران ادبیات با حضور در دفتر برنامه‌ریزی از کیفیت درس انشاء اظهار نگرانی می‌کردند. اعضای شورای برنامه‌ریزی ادبیات نیز با آگاهی از وضع موجود، در پی چاره‌جویی بودند. سرانجام، تصمیم گرفته شد که طرحی برای کتابهایی در مورد آیین نگارش دبیرستان تهیه شود. این کار بر عهده این جانب نهاده شد. بنده برای تهیه طرحی در این مورد، به مطالعه بسیاری از کتابهای آیین نگارش موجود پرداختم و به این نتیجه رسیدم که روش کتابهای آیین نگارش قبلی (کتابهای درسی)

(\*) — «طلسم سنت خودمحموری نابیان تولیت آستان تألیف» آنچنان که همکار عزیز، آقای «غلامرضا ستار» نوشته‌اند، هنوز شکسته نشده است و شکسته نخواهد شد، مگر آن زمان که «خدام حرم حرم» — به تعبیر ایشان — بجای اینکه منتظر «دعوت» بشینند تا آنان را به «پای منبر» فراخوانند، خود بسای پیش گذارند و بر «سر منبر» روند! اینک پس از گذشت دهها سال از عمر «وزارت معارف» اسبق و «وزارت فرهنگ» سابق و «وزارت آموزش و پرورش» فعلی، معلمین ادبیات فارسی برای نخستین بار، تشویه‌ای در اختیار دارند که می‌توانند نظریات خود را در آن مطرح کنند. این، البته مهم است که کتاب درسی را چه کسی یا کسانی تألیف می‌کنند، اما مهمتر از آن، این است که در تألیف کتاب درسی، ناچه حد به نظریات درست همکاران و معلمان، توجه می‌شود.

اکنون که «شورای برنامه‌ریزی ادبیات» آماده نشین نظریات همکاران است و خود را ملزم به قبول اعمال نظریات صحیح همکاران می‌داند و صفحات مجله رشد آموزش ادب فارسی نیز در اختیار معلمان ادبیات قرار دارد، اگر باز حرفی ناگفته ماند، گناه قصور و تقصیر با کیست؟

«رشد آموزش ادب فارسی»



مجموعاً ۱۳۰ اظهار نظر درباره کتاب آیین نگارش به دفتر سرنامهریزی رسید. بعضی از پاسخها، حاصل بحث و بررسی دبیران ادبیات یک شهرستان است که با نام گروه ادبیات و یا با امضای سرگروه فرستاده شده است، اما بسیاری از پاسخها نظریه همکاران عزیز است که به طور جداگانه نوشته اند. اکنون به بررسی نظریات همکاران محترم می پردازیم:

۱ - از یک دیدگاه کلی، بعضی از گروههای ادبیات و یا افراد (۲۸ مورد)، مطالب کتاب آیین نگارش را از هر جهت با جملههای تحسین آمیز تأیید کرده اند: ابهر (آقای کاظم محدث)، اردکان، اشکذر، الیگودرز، باختران (ناحیه ۱، خانم پرویندخت رای - آقای مرادعلی شهپرست)، باختران (ناحیه ۲، آقای مجید صدقی)، بافت، بافق، پروچرد (آقای علی اصغر خردساز)، بیجار، تهران (منطقه ۱، آقای عباس شمالی)، تهران (منطقه ۲، آقای حشمت الله رجبی)، تهران (منطقه ۱۴ - آقای سیدعلی مشیری)، رشت (ناحیه ۱، خانم زهرا عقلی مقدم)، سمنان (آقای نعمت الله ملاح مروج)، سنقر، شیراز (ناحیه ۱، آقای علی جمالی)، شیراز (ناحیه ۲، خانم پوراندخت خردمند - آقای محمد آل عصفور)، شهیرزاد

مهدشهیر (آقای حامدی) کازرون (آقای سیدموسی کاظمینی)، کیاشهر (آقای احمد آذروند)، لاهیجان (آقای فرهنگ فر)، مهریز، نیشابور و یاسوج.

از ۱۳۰ پاسخ، فقط چهار نفر مطالب جزوه آیین نگارش را تأیید نکرده اند: اراک (بدون نام)، تفرش (آقای فرخمهر) سمنان (آقای عباسعلی عامری) و نهاوند (آقای صدرالدین زمانیان). آقای فرخمهر نوشته اند که «این جزوه نمی تواند نیاز دانش آموزان را به درس عالی و مفید انشاء تأمین نماید». آقای زمانیان بی این که در هیچ موردی راهنمایی کنند، ابتدا در لزوم کتاب آیین نگارش شک کرده و سپس نوشته اند: «در چگونگی تدوین و تألیف کتاب مطالب گفتنی فراوان است»، بهتر است که تألیف کتابهای درسی به مسابقه گذاشته شود تا دبیرانی که توان و صلاحیت دارند، پیشقدم شوند.

یکی از همکاران عزیز از مرکز آذربایجان غربی (بدون نام) نوشته است که برای درس آیین نگارش اصولاً کتاب لازم نیست زیرا «هیچ فرقی نیست میان گفته ای و نوشته ای؛ نوشته، تصویر یک گفته است». (۱)

غیر از این دوستان، در بیش از ۱۰۰ پاسخ دیگر، کتاب، از نظر کلی مورد تأیید قرار گرفته، اما کم و بیش درباره مطالب آن اظهار نظر و ارائه طریق شده است. بعضی از این دبیران گرامی یا دقت بسیار، مطالب جزوه آیین نگارش را مورد توجه قرار داده و حسن و عیب آن را بنابر عقیده خود بیان کرده اند؛ چنان که حتی گاهی از یک اشتباه کوچک ماشینی چشم پوشی نکرده اند: ارومیه (آقای احمد نجفی)، اصفهان (آقای امیدعلی جعفری)، باختران (ناحیه ۱ بدون نام)، تهران (منطقه ۱۰، بدون نام)، تهران (منطقه ۱۲، آقای غلامرضا ستار)، تهران (منطقه ۱۷، خانم زهرا ستاری)، رشت (آقای سیدنورالدین هاشمی تکلیمی)، سبزوار (آقای محمدرضا شاهرخی)، سنندج (آقای رخزادی)، شیراز (آقایان جواد خالصی

و محمدرضا زرسنج)، فارس (شاید کازرون، آقای اسفندیار محسنی یا محبی؟)، قروه (آقای عبدالله جعفری)، قزوین (آقای شعبانعلی رحمانی)، کیاشهر (آقای محب الله پرچمی) و یزد (آقای قلمسیاه). از نظریات بعضی از این همکاران به خواست خداوند، در چاپ دوم کتاب استفاده خواهد شد.

۲ - اغلب پاسخ دهندگان، چهار ساعت وقت هفتگی را برای تدریس فارسی، دستور، املاء و انشاء کافی ندانسته و خواسته اند که حداقل یک ساعت در هفته به ادبیات فارسی افزوده و به آیین نگارش اختصاص داده شود. البته، این درخواستی منطقی است، اما اکنون با افزوده شدن طرح کاد و درس عربی به برنامه دبیرستانها، تغییر ساعات هفتگی درسها امکان پذیر نیست. بدین جهت برای این که کمبود وقت برای آیین نگارش تاحدی جبران شود، از سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴ مطالب کتابهای فارسی عمومی به حدود ۱۵۰ صفحه تقلیل یافته است. بعضی از همکاران مانند خانم پوراندخت خردمند (ناحیه ۲ شیراز) به این نکته توجه کرده اند؛ امیدواریم دیگر دبیران گرامی ادبیات نیز توجه داشته باشند که حفظ ادبیات فساسی و فرهنگ ایران، وظیفه وجدانی، ملی و الهی ماست و هریک از ما باید به اندازه توانایی خود و تاحدی که وقت اجازه دهد، در انجام دادن این وظیفه بکوشیم.

۳ - بسیاری از دبیران گرامی و گروههای ادبیات از جمله: اهواز (ناحیه ۱)، رشت (آقای داداش زاده)، شیراز (آقایان عبدالرزاق حقیقیان و عباس صداقت کیش)، سمنان (گروه ادبیات)، نوبران (گروه ادبیات) و... خواسته اند تا برای مطالب کتاب نیز نمره ای در نظر گرفته شود. خوشبختانه این نکته را اعضای شورای برنامه ریزی ادبیات نیز در نظر داشته اند و قرار بر این است که حدود پنج نمره برای مطالب کتاب منظور گردد. نحوه امتحان و میزان دقیق این نمره با هماهنگی اداره کل امتحانات، به صورت بخشنامه به سراسر کشور

## گاهی تدریس آیین نگارش را برعهده دبیرانی می‌گذارند که اصولاً ادبیات فارسی نخوانده‌اند.

ابلاغ خواهد شد. ضمناً همان‌گونه که در مقدمه جزوه آیین نگارش و نیز به صورت مقاله‌ای در مجله رشد آموزش ادب فارسی پیشنهاد شده است، برای ریز نمره انشاء نیز دستورالعملی داده خواهد شد. اما در هر صورت، انشاء مانند یک مسأله ریاضی نیست که بتوان نمره معینی را بدون چون و چرا برای هر فرمول آن در نظر گرفت. با وجود این، تاجایی که ممکن باشد، باید ضابطه کلی را به جای سلیقه شخصی قرار داد.

۴ - عقیده گروهی از همکاران عزیز، این است که کتاب در حد لازم و سودمند است، اما به گفته آقای محمدرضا شاهرخی (سبزواری)، سرانجام، کسی لازم است که این زنگوله را به گردن گربه بیند. دبیرانی که در تدریس آیین نگارش مهارت داشته باشند، اندکند؛ از این بدتر، این است که گاهی تدریس آیین نگارش را برعهده دبیرانی می‌گذارند که اصولاً ادبیات فارسی نخوانده‌اند. بنابراین، بهتر است که نخست، دبیر انشاء تربیت شود تا تدریس آیین نگارش به صورتی درست و سودمند امکان‌پذیر شود. به عقیده ایشان، برای این کار باید معلم، ارزش واقعی و پایگاه اجتماعی خویش را بازیابد تا دانش‌آموختگان

دیپلمه و لیسانسیه، پیش از انتخاب هر شغل دیگر، به آموزش و پرورش روی آورند. گروه ادبیات بجنورد و نماینده گروه سبزواری معتقدند: تا هنگامی که دبیران برای سیر کردن «شکم خود» مجبورند تا پنجاه ساعت در هفته تدریس کنند، بیهوده است از آنان بخواهیم که حتی در خانه هم به خواندن انشاء آموزش آموزان بپردازند.

چند تن از دبیران گرامی، مانند خانم رقیه آرگو (شیراز) و آقای حمید صفوی مؤمنی (بجنورد) و سرگروه مهاباد پیشنهاد کرده‌اند که کلاسهای برای بازآموزی انشاء و رفع عیوب تدریس آن، ایجاد شود تا بتدریج، کیفیت مطلوب در تدریس آیین نگارش به وجود آید. این پیشنهاد، هم مفید است و هم عملی، که امیدواریم مورد توجه مسؤولان امور قسرار گیرد.

۵ - بعضی از همکاران گرامی خواسته‌اند تا نمونه‌هایی از نوشته‌های نویسندگان ایران و جهان، بدون توجه به گرایشهای سیاسی - عقیدتی آنان در کتابهای آیین نگارش درج شود.

۶ - چند نفر از پاسخ‌دهندگان از نبودن کتاب در کتابخانه‌های دبیرستانها گله کرده‌اند؛ به عقیده آنان، کتاب مناسب، در ارتقای سطح ادبیات دبیران و دانش‌آموزان و بهبود کیفیت تدریس، بسیار مؤثر است. آقای محب‌الله پرچی (کیاشهر) عقیده دارند که دوسوم وقت کلاس در سالهای اول و دوم دبیرستان، باید به کتاب خواندن اختصاص یابد. آقایان جواد خالصی (شیراز) و حمید صفوی مؤمنی (بجنورد) نیز به ایجاد انگیزه نوشتن از راه مطالعه اشاره کرده‌اند. سخن این عزیزان از نظر اصولی کاملاً درست است، اما باید توجه داشت که اگر به قول آقای پرچی، دوسوم وقت کلاس به خواندن اختصاص یابد، نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب دلزدگی و مسلال دانش‌آموزان می‌شود؛ از سویی دیگر، کتاب مناسب در بسیاری از دبیرستانهای بخشها یا

روستاها وجود ندارد و چنین کاری به فرض سودمندی آن، در حال حاضر عملاً امکان‌پذیر نیست. نکته دیگر، این است که مقصود اصلی از تدریس آیین نگارش در دبیرستان، در درجه اول، ایجاد مهارت نوشتن در دانش‌آموزان است به حدی که بتوانند در مراحل زندگی خود از آن استفاده کنند. بدیهی است که هنگام با این آموزش کلی، چنانچه استعداد درخشانی در نویسندگی شناخته شود، باید در شکوفاتر ساختن آن کوشید، لکن هدف اصلی در این درس، به وجود آوردن نویسندگان بزرگ نیست؛ هدف، این است که دانش‌آموزان از همان آغاز بی‌آن که با اصطلاحات «قلمبه» و انواع نثر و تقسیم‌بندیهای ادبی آشنا شوند، مطالب خود را بنویسند و چنین احساس کنند که هر انسانی همان‌گونه که برای زنده ماندن به تنفس و غذا خوردن نیاز دارد، در زندگی اجتماعی نیز به نوشتن محتاج است. اگر این احساس واقعاً در آنان به وجود آید، دشواریهای بعدی نگارش بتدریج از میان می‌رود و آنان، لااقل در حد نیاز خود، نوشتن را فرامی‌گیرند.

۷ - آقایان داریوش فتاحی (اراک) و احمد نجفی (ارومیه)، مطالب پیشنهاد شده آیین نگارش را به دلیل سادگی، برای دوره راهنمایی مناسب دانسته‌اند و برعکس، خانم رقیه آرگو (شیراز)، آقای صفوی مؤمنی (بجنورد) و گروه ادبیات ناحیه ۱ ساخران عقیده دارند که این مطالب بالاتر از ظرفیت دانش‌آموزان دبیرستان در دوره عمومی است. گروهی معتقد بوده‌اند که چاپ مطالب مربوط به دستور و رسم‌الخط به صورت یکجا بهتر است؛ نه اینچنین پراکنده. اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان، نظم منطقی مطالب را تأیید کرده‌اند، اما آقای رحمانی (آذرشهر) مطالب را مغشوش و «تودرتو» شمرده است.

در پاسخ همه این عزیزان، عرض می‌کنم که: اگر به هشت مطلب مندرج در آیین نگارش هریک از سالهای اول و دوم دبیرستان، توجه

## بی تعارف!

اینکه گفته اند: «پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است.»  
سخن درستی است. و این نیز سخن درستی است که: «همه چیز را همگان دانند!»

## خواهر، برادر!

شما که ادبیات تدریس می کنید، در قلمرو کارتان، همه چیز را می دانید؟ در تدریس کتاب مشکلی ندارید؟ آیا دانش آموزان از متن کتاب — یا خارج از کتاب و متناسب با آن — از شما سؤالی کرده است که پاسخ آن را ندانید؟  
آیا اتفاق افتاده است که به سؤال شاگردتان پاسخی بدهید که خود قانع نشده باشید؟!

همه چیز در کار معلمی، ممکن است. معلمی، آنچنان که عده ای خیال می کنند، کار ساده ای نیست. پس از سالها معلمی، لحظه ای پیش می آید که انسان در جواب سؤالی که خارج از درس و کتاب هم نیست، در می ماند.

«شورای برنامه ریزی ادبیات» و «هیأت تحریریه رشد آموزش ادب فارسی» در رفع مشکلات درسی شما، به شما کمک می کنند... این، بدان معنی نیست که ما همه چیز را می دانیم. ما در اینجا، به منابع، کتب و اساتیدی دسترسی داریم که می توانیم در موقع لزوم مشکلات را با آنان در میان نهیم و پاسخ صحیح سؤالاتشان را در اختیارشان بگذاریم.

هر نوع سؤالی در زمینه درس ادبیات دارید، با ما در میان بگذارید. اسم و نشانی شما را نمی خواهیم. سؤال شما برای ما مهم است. پاسخ سؤالتان را در رشد آموزش ادب فارسی چاپ خواهیم کرد و اگر سؤالتان یادکر نام و نشانی باشد، پاسخ «شورای برنامه ریزی ادبیات» را بطور خصوصی دریافت خواهید کرد. با هم بی تعارف باشیم. پرسیدن که عیب نیست، ندانستن ...

«رشد آموزش ادب فارسی»

کنند، درمی یابند که موضوع، از نوشتن مشاهدات بسیار ساده شروع شده و کم کم به دشواری رفته است؛ با هر مطلب، یک یا چند نکته در مورد قوانین نگارش یا رسم الخط همراه است تا بکنواختی مطالب موجب ملال نشود. از این گذشته، منطقی نیست که از دانش آموزان بخواهیم تا تمامی قوانین نگارش یا رسم الخط را در یک بخش بیاموزند و سپس به نوشتن بپردازند. این، درست بدان می ماند که به کسی بگوییم: تا هنگامی که همه قوانین نگارش را یادگیری، چیزی ننویس!

با این همه، باید بگوییم: دبیران عزیز ادبیات! ادعا نمی کنم که کتابهای آیین نگارش کنونی کامل و بی عیب است. اگر هم کتابی تألیف شود که بر فرضی محال، مورد تأیید همگان قرار گیرد، آیا بی همکاری دبیران گرامی، مشکل نگارش را حل خواهد کرد؟ دشواریها و کمبودها نیز در کار تدریس ادبیات فراوان است، اما چه باید کرد؟ آیا شایسته است که دست، روی دست بگذاریم تا هر چه پیش آید، خوش آید؟

بباید دست به هم دهیم و در حد توان خویش، بیکر نیمه جان ادبیات ایران را سرپا نگهداریم. تاریخ، تلاش ما را در این راه فراموش نخواهد کرد!

قدر وقت از شناسد دل و کاری نکند  
بس خجالت که ازین حاصل اوقات بریم  
(حافظ)

خداوند به همه ما توفیق عنایت فرماید

